

## تشخیص مسئولیت مدنی و اسباب طولی و عرضی در حقوق ایران

زهرا حیدری رمضان<sup>۱</sup>

\* تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۲/۱۹ / تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۳/۰۲

## چکیده

هدف از این تحقیق علاوه بر بررسی مسئولیت مدنی بر اساس تساوی در زمینه نحوه توزیع مسئولیت در حالت طولی (اسباب متعدد، اجتماع سبب و مباشر و اجتماع مباشر) و اسباب عرضی در قانون مجازات اسلامی جدید، پاسخ به این دو سؤال است که تحولات اسباب طولی و عرضی در حوزه تقسیم مسئولیت مدنی چه اثراتی به دنبال دارد؟ و دیگر این که نحوه تأثیر اسباب طولی در حوزه تقسیم مسئولیت مدنی چگونه است. روش تحقیق مورد استفاده روش توصیفی تحلیلی است که به تحولات مسئولیت مدنی، اسباب طولی و عرضی در حقوق ایران پرداخته شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در حقوق ایران اصل تقسیم مسئولیت به طور تساوی است، مگر این که ثابت شود که فعل یا تقصیر یکی از افراد مسئول بیشتر یا کمتر از دیگری مؤثر بوده است. بر اساس ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی جدید و قسمت اخیر ماده ۵۲ قانون مسئولیت مدنی نحوه مداخله اسباب در میزان مسئولیت مؤثر است؛ یعنی هر چه مداخله و تأثیر اسباب در ایجاد ضرر بیشتر باشد، میزان مسئولیت نیز بیشتر است.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت مدنی، اسباب طولی و عرضی، اسباب متعدد.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی اصفهان. (نویسنده مسئول)  
zhfdost@yahoo.com

## مقدمه

در کلیه نظام‌های حقوقی موضوع زیان و نحوه جبران آن مدنظر بوده است و این مسأله در قوانین مدنی و جزایی آنها نمود پیدا کرده است. در حقوق ایران نیز پیشینه فقهی دارد و منابع آن عبارتند از کتاب، سنت، اجماع و عقل که در آنها به مسئولیت اشاره شده است. همانند قواعدی که در قرآن در مورد مسئولیت انسان در برابر خود، خدا و خلق وجود دارد. (نبات زاده و میلانی، ۱۳۹۷، ۸۵) قواعد اخلاقی بر پایه ایمان و بر اساس آزادی توأم با تکلیف در قرآن فراوان است، به نحوی که با قاطعیت می‌توان گفت، جبران زیان دیگری موافق با روح قرآن است. (ره پیک، ۱۳۹۳، ۶۴) اعمالی که منتهی به ورود زیان به دیگران می‌شود، گاهی ناشی از علت واحد است که در این حالت ساده، پس از احراز رابطه سببیت بین زیان و فعل زیان‌بار، شخص خاطی یا مقصر توسط محکمه شناسایی و ملزم به جبران خسارت می‌گردد؛ اما امکان دارد خسارت و زیان در اثر تعدد اسباب به وجود آید که در این حالت دادرسان به منظور احراز رابطه سببیت و شناسایی سبب یا اسباب مسئول حادثه، موضوع را حسب مورد به کارشناسان رسمی دادگستری یا افراد خبره ارجاع می‌دهند و انتظار دارند کارشناس نسبت به احراز رابطه سببیت اقدام نماید. کارشناس نیز ناچار می‌شود رابطه سببیت را احراز و مقصر حادثه را معرفی نماید؛ که این امری ناپسند است زیرا کارشناس از حیطة وظایف خود خارج شده و اظهارنظر قضایی نموده است و باعث نارضایتی اصحاب دعوا و وكلا می‌شود. (زراعت، ۱۳۹۲، ۱۳) این مشکلات ناشی از ظرافت موضوع تعدد اسباب بوده و ریشه در فنی بودن آن دارد. یکی از حقوقدانان لبنانی در مورد دشواری اثبات رابطه سببیت می‌نویسد: «کار قضایی، دشواری برقراری چنین رابطه‌ای را روشن می‌سازد و همین امر موجب شده است که محاکم قضایی به دفعات در حکم خود فقط اکتفا به این کنند که فلان فعل، سبب نتیجه حاصله بوده است. بدون این که دقیقاً کیفیت این رابطه را که محتاج به دقت فراوان است روشن سازند». در واقع مسائل فنی و قضایی چنان باهم آمیخته‌اند که جز به یاری دانش و درک سلیم قضایی، قابل تفکیک نخواهد بود. (سکوتی و شمالی، ۱۳۹۰، ۱۳۴) در سال‌های اخیر نیز در حوادث ناشی از کار یا تصادفات که در مراجع قضایی اقامه می‌گشت، دادرس جهت تعیین مقصر یا مقصرین حادثه پرونده را به کارشناسان فنی و پزشکان قانونی ارجاع می‌داد که گاهی کارشناسان در گزارش‌های خود علاوه بر مشخص نمودن طرفین حادثه، در تحقق خسارات جانی و مالی، میزان تأثیر آن را به شکل درصدی معین می‌نمودند، درحالی‌که نص قانون برخلاف آن بود و بنا را بر تساوی مسئولیت قرار داده بود و ضمان نسبی را نپذیرفته بود. (صادقی، ۱۳۹۲، ۴۳)

به نظر می‌رسد مسأله ضمان نسبی در نظام حقوقی ما، آن طور که باید مشخص نیست. به خصوص آن که در فقه نیز ضمان نسبی به صورت مبسوط مورد بحث قرار نگرفته است. در این میان رویه قضایی ایران نیز بین پذیرش و عدم پذیرش آن دچار سردرگمی است؛ هر چند که در این زمینه رأی وحدت رویه صادر شده اما در راستای تفسیر عادلانه قوانین می‌توان به تحلیل نظری این موضوع پرداخت. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰، ۶۹) در بحث مسئولیت مدنی و لزوم پرداخت خسارت یکی از وظایف زیان دیده اثبات رابطه سببیت بین خسارت و فعل زیان‌بار است. اثبات رابطه سببیت از جمله دشوارترین مباحث حقوقی در بحث مسئولیت مدنی و جزایی است که در مواردی می‌تواند منجر به عدم قابلیت جبران خسارت شود. این امر در فرضی که خسارت ناشی از فعل یکی از اشخاص در میان جمعی معین و محصور باشد دشوارتر است و لزوم توجه به مبانی مسئولیت مدنی و احراز رابطه سببیت و نحوه جبران زیان را بیش از پیش ضروری می‌کند. (عابدی، ۱۳۹۲، ۴۳) در این فرض از سویی این علم وجدانی وجود دارد که ضرر وارد شده و خسارت می‌بایست جبران شود و این خسارت ناشی از فعل یکی از افراد موجود در جمعی معین است و از سوی دیگر هیچ دلیلی جهت انتساب ضرر به یکی از این اشخاص در اختیار نیست و قضیه از جهت موضوعی مجمل و دارای ابهام است. این فرض از دشوارترین فرض‌های مسئولیت است که تاکنون به تفصیل به آن نپرداخته‌اند و گذشته از برخی تحقیقات حقوقی در سال‌های اخیر، فقها نیز صرفاً در باب مسائل خاص به ذکر مثال‌هایی از آن اکتفا کرده‌اند. با این وجود اصولیین در بحث شبهات محصوره و دوران امر بین محذورین اصول بحث را ارائه کرده‌اند. در این راستا برخی قضات دیوان عالی نیز مخالف ضمان نسبی بوده و دلیل خود را این‌گونه بیان می‌نمودند که چنین حکمی دلیل قانونی و شرعی ندارد و بنا بر قوانین موجود، تقصیر مرتکب یا ضمان آور است یا نه. اگر ضمان آور نباشد مانند سبب و مباشر است که مباشر عامد باشد، طبعاً تقصیر سبب نادیده انگاشته شده و تمام خسارات متوجه مباشر است و اگر تقصیر سبب پذیرفته شده و عملش مسئولیت آور باشد همانند باب شرکت در قتل خواهد بود که اگر قتل مستند به چند نفر باشد کم و زیاد بودن سهم آنان در حادثه تفاوتی ندارد. در این پژوهش تلاش شده به این مسائل پرداخته شود.

منظور از سبب، هر عملی است که با انجام آن زمینه برای کارایی علت تلف فراهم می‌شود، به طوری که اگر آن عمل انجام نشده بود، علت تلف مؤثر واقع نمی‌شد. نظیر کندن چاه و نصب چاقو و قرار دادن سنگ و ایجاد مانع در معبر عام. (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۵۶۴) برخی از فقها از جمله شهید ثانی، در کتاب مسالک می‌گویند که آنچه در تلف و هلاک مال مدخلیت دارد یا به گونه‌ای است که عرف و عادت هلاک را حقیقتاً به آن نسبت می‌دهد، مثل این که سر حیوان را ببرد که در این صورت آن را علت و اجرای فعلش را مباشرت می‌نامند، یا به گونه‌ای است که عرف و عادت

تلف را حقیقتاً به آن نسبت نمی دهد که در این صورت، اگر از اعمالی با آن قصد حصول فعلی را می کنند که معمولاً تلف به آن نسبت داده می شود آن را سبب و اجرای فعلش را تسبیب می گویند. مانند کندن چاه، که در عرف و عادت، هرکس در چاه بیفتد و بمیرد نمی گویند که حفر کننده چاه حقیقتاً او را کشت، هر چند شأن چاه کندن این است که در حین کندن آن می توان قصد کرد تا کسی در آن بیفتد و بمیرد. (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ۱۶۳) در این راستا در حقوق مدنی برای تحقق مسئولیت مدنی لازم است که سه رکن ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت فراهم شود و تعدد اسباب، ممکن است به سه صورت مطرح باشد. طولی، عرضی و یا اجمالی. لیکن گاه در به وجود آمدن خسارت، دو یا چند نفر دخالت دارند که به مسأله تعدد اسباب معروف است. در این حالت تلاش می شود از میان اسباب متعددی که موجب وارد شدن خسارت می شوند، آن سببی که سزاوار تحمل چنین مسئولیتی است، شناسایی گردد. هرگاه در یک حادثه دو یا چند سبب، یکی بعد از دیگری تأثیرگذار باشد و موجب حادثه گردند، در این صورت اجتماع اسباب طولی تحقق می یابد. هرگاه چند نفر در ارتکاب عمل زیانبار با هم همکاری نمایند و در انجام عملیات اجرایی با هم مشارکت داشته باشند، و نتیجه هم مستند به عمل هر دو باشد اسباب عرضی خواهد بود. (نبات زاده و میلانی، ۱۳۹۷، ۳۳) اما، گاه علم اجمالی به ایجاد زیان به وسیله یکی از چند سبب محصور وجود دارد، بدون این که سبب مزبور به طور تفصیلی معلوم و معین باشد. در این صورت اسباب طولی مطرح می شوند. در این صورت، مسأله تشخیص مسئول در اجتماع اسباب است که در این گونه موارد در تعیین سبب ضامن اختلاف نظر وجود دارد و نظریه های متفاوتی ارائه شده است. (شامبیاتی، ۱۳۸۹، ۲۰۱) در بحث رابطه سببیت میان فعل زیانبار و ضرر وارده، گاهی این رابطه فقط بین یک سبب و خسارت برقرار است که این ساده ترین صورت یک دعوی مسئولیت مدنی است. اما اگر اسباب متعددی در ایجاد زیان دخالت داشته باشد، بحثی که در اینجا مطرح می گردد، اجتماع اسباب است که در حقوق موضوعه تحت همین عنوان و در فقه تحت عنوان تزاحم موجبات ضامن نامیده می شود. این اجتماع گاهی طولی و گاهی عرضی است که دومی از محل بحث ما خارج و اولی موضوع بحث ماست. (ره پیک، ۱۳۹۳، ۱۷)

مطابق قول مشهور فقهای امامیه و قانونگذار ایران، هر گاه چند سبب به نحو تعاقب، جنایتی را ایجاد کنند، سببی ضامن است که تأثیر آن در ایجاد جنایت، نسبت به سایر اسباب مقدم باشد ولو آن که در پیدایش، همزمان و یا حتی مؤخر باشد. (باریکلو، ۱۳۹۲، ۲۵) عامل تفکیک سبب به طولی و عرضی، زمان حدوث اسباب نیست؛ تا به دلیل همزمان نبودن اسباب ما بتوانیم عاملی را عرضی محسوب نکنیم یا طولی محسوب کنیم. عاملی که برای تفکیک سبب طولی و عرضی به کار می رود، زمان امتداد تأثیر این اسباب تا نتیجه است. یعنی اگر دو یا چند سبب در وقوع مثلاً قتل

تأثیر داشته باشند برای این که تشخیص دهیم که این اجتماع طولی است یا عرضی ما به زمان تأثیر اسباب تا نتیجه توجه می کنیم. اگر این اسباب مثلاً در قتل نقش داشته باشند، در صورتی که این تأثیر سبب ها از وقوع سبب تا قتل امتداد یابد، یا این که با تأثیر هم در یک زمان موجب قتل شود، نوع اجتماع عرضی است. هر چند سبب در زمان مختلف واقع شود. مثلاً شخصی در غذای الف سم بریزد و بعد از دو ماه دیگر شخص ب نیز در غذای الف باز هم سم بریزد و در ماه بعد در اثر تأثیر هر دو سم بمیرد. در اینجا نوع اجتماع عرضی است و شرکت محسوب می شود. هر چند اسباب در زمان های مختلف اتفاق افتاده است. اما تأثیر آنها از وقوع سبب تا قتل امتداد دارد و قتل نیز به دلیل وجود تأثیر هر دو سبب است. (قاسمی و کارمرزی، ۱۳۹۲، ۲۵) اما در مورد اجتماع طولی این طور نیست و تأثیر اسباب از وقوع تا نتیجه ادامه نمی یابد. بلکه سبب تأثیر خود را می گذارد و تأثیرش تمام می شود و تا قتل ادامه نمی یابد، بلکه بعد از اتمام این تأثیر یا سبب دیگر اثر خود را می گذارد تا این که قتل واقع می شود. باز هر چند زمان حدوث متفاوت باشد که تأثیری در قضیه ندارد. مثلاً کسی سنگی می گذارد و دیگری چاهی می کند و الف به علت برخورد با سنگ به چاه می افتد. اینجا سنگ اثر خود را می گذارد و اثرش تمام می شود و تا قتل ادامه نمی یابد. بعد شخص در چاه می افتد و می میرد و چاه نیز اثر خود را می گذارد و تمام می شود. یعنی در حین وقوع نتیجه اثر هر دو را نمی توان همزمان در قتل یافت. پس آنچه در تشخیص این ها اهمیت دارد زمان وقوع عملیات اجرایی و سبب ها نیست بلکه زمان تأثیر اسباب و امتداد آن تا نتیجه و همزمانی تأثیر اسباب در نتیجه است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۳۵ مقرر داشته است هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است. مانند آن که یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال افتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آن که همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می شود. (کانونیان، ۱۳۹۲، ۸۶) از دیرباز اندیشه های حقوقی و فلسفی، در مقام حل معمای تقسیم مسئولیت اسباب طولی، راهکارهای متعدد و متفاوتی مانند تقسیم مسئولیت بر مبنای تساوی، تقسیم مسئولیت به نسبت تأثیر و به نسبت تقصیر پیشنهاد کرده اند که این راهکارها در قانون مجازات اسلامی جدید نیز مطرح شده است. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۴۳) در قانون مجازات اسلامی سابق چند ماده به این موضوع اختصاص داشت. این مواد از لحاظ معیار تقسیم مسئولیت هماهنگ نبودند؛ در نتیجه، در تفسیر آنها اختلاف نظر دیده می شد.

## ۱- تعاریف و مفاهیم

## ۱-۱- مسئولیت مدنی و سبب

مسئولیت کلمه ای عربی است و معادل فارسی آن عبارت پاسخگویی است. در اصطلاح حقوقی نیز این عبارت از معنای لغوی آن دور نشده است. بنابراین مسئولیت مدنی عبارت است از التزام و تعهد قانونی شخص به جبران ضرر و زیانی که در نتیجه عمل مستند به او، به دیگری وارد شده است. (ولیدی، ۱۳۹۲، ۱۲۷) شناخت معنا و مفهوم مسئولیت و آثار آن مستلزم شناخت اجمالی مفاهیم لغوی و اصطلاحی آن است که می تواند در بررسی موضوع مفید فایده واقع شود و شناخت دقیق تری از آن به ما بدهد. کلمه مسئولیت صفت ساخته شده از مسئول به معنای مؤاخذه شده و گرفتار در امور مالی و کیفری و انتظامی بوده که در لغت دارای معانی گوناگون مسئول بودن، متعهد بودن، موظف بودن، متعهد قهری یا اختیاری و مالی یا غیر مالی می باشد. در زبان عربی مسئولیت مصدر جعلی مسئول است و در آیات و احادیث به معنی مورد سؤال واقع شدن شخص به دلیل انجام دادن یا عدم انجام کاری به کار رفته است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ۷۹) مسئولیت در ادبیات حقوقی، تعهد قانونی شخص است مبنی بر این که خسارتی را که به دیگری وارد کرده است جبران نماید و پاسخگویی انتخاب خود در برابر دیگران باشد اعم از این که خسارت وارد شده ناشی از تقصیر خود او یا ناشی از فعالیت وی باشد، به عبارت دیگر می توان گفت مسئولیت رابطه حقوقی است که ناشی از فعل یا ترک فعل زیان آور به حال افراد یا مصالح عامه باشد که این رابطه با ایفای تعهد از جانب مسئول و یا اجرای کیفر درباره او زائل می گردد. در اسلام و منابع فقهی مسئولیت مترادف با کلمه ضمان به کار گرفته شده است که هر نوع مسئولیت اعم از مسئولیت مالی و کیفری را شامل می شود. (خدابخشی، ۱۳۹۱، ۴۳)

منظور از مسئولیت مدنی تکلیف شخص به جبران خسارت وارد شده بر دیگری است. بدین معنی که هرگاه کسی با فعل یا ترک فعل به دیگری خسارتی را وارد کند عرفاً در برابر او مسئولیت دارد و باید خسارت وارده را تدارک ببیند. اعم از این که زیان وارده در اثر عمل شخص مسئول یا اشخاص تحت مراقبت او یا اشیاء تحت حراست و مالکیت او باشد و تفاوتی ندارد که منشاء خسارت وارد شده جرم باشد یا شبه جرم زیرا مسئولیت مدنی در نتیجه اعمالی حاصل می شود که بدون مجوز قانونی است، خواه عمدی باشد یا غیر عمدی. (زرعت، ۱۳۹۲، ۵۹) در مسئولیت مدنی ضرر و زیان ناشی از جرم که شرط تحقق مسئولیت است از یک طرف جنبه شخصی و خصوصی دارد زیرا بر خلاف مسئولیت کیفری ضرر متوجه شخص خصوصی است و به همین علت زیان دیده می تواند از

طریق طرح دعوا در محاکم حقوقی جبران خسارت وارده را بخواهد و از طرف دیگر اعمال مسئولیت محدود به موارد مصرح در قانون نیست و هر فعلی که موجب خسارت به دیگری شود باید جبران گردد ولو این که در قانون بیان نشده باشد. بنابراین اگر شخصی در نتیجه بی احتیاطی یا بی مبالاتی به دیگری خسارتی وارد نماید مکلف به جبران آن است و در معنای اعم در مقابل مسئولیت کیفری استعمال می شود. (رشادتی، ۱۳۹۰، ۵۳) مسئولیت مدنی به دو قسم مسئولیت ناشی از قرارداد و مسئولیت خارج از قرارداد یا مسئولیت قانونی تقسیم می شود که قدر مشترک در این دو مسئولیت نقض تعهد و الزام است با این تفاوت که در مسئولیت ناشی از قرارداد نقض تعهد قراردادی است و در مسئولیت خارج از قرارداد نقض تعهد قانونی است. (دالوند، ۱۳۸۶، ۲۸)

سبب را در لغت به علت و وسیله نیل به چیز دیگر و یا چیزی که ما را به هدف یا چیز دیگر وصل می کند تعبیر کرده اند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰، ۸۶) در قرآن کریم در مواردی این عبارت در معنای ریسمان به کار رفته است. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۷۳) و در مواردی دیگر علل پنهان از چشم و معنوی را به اسباب السماوات تعبیر کرده است. با استقرا در متون فقهی می توان این نکته را استخراج کرد که معنای فقهی شرط از معنای منطقی آن دور و به معنای لغوی آن نزدیک شده است. در فقه به امری اطلاق می شود که شرع بین آنها و امور دیگر رابطه وجودی و عدمی برقرار کرده است به نحوی که از وجود سبب، تحقق سبب و از عدم آن فقدان مسبب حاصل می شود. (نبات زاده و میلانی، ۱۳۹۷، ۵۱۴) شهید اول قائل به این تعریف است که سبب عبارت از وصف ظاهر و قاعده مندی است که بر اساس دلیل شرعی معرف اثبات حکم شرعی باشد به گونه ای که از وجود آن وجود حکم و از فقدان آن عدم حکم لازم آید و بدون آن حکم ممتنع باشد و تنها در صورتی تخلف حکم از سبب ممکن باشد که مانعی در میان باشد و یا شرطی مفقود شود. (شهید اول، ۱۳۷۹، ۸۵) محقق حلی در شرایع در کتاب دیات می گوید سبب چیزی است که اگر وجود نداشته باشد تلف حاصل نخواهد شد، اما علت تلف چیز دیگری است. (شهیدی، ۱۳۸۲، ۱۳) در اصطلاح حقوقی سبب حادثه ای است که منشأ ورود خسارت به غیر شده است. به عبارت دیگر سبب آن است که اگر وجود نمی داشت خسارت نیز به وجود نمی آمد. با این وجود بین سبب و شرط می بایست تفکیک قائل شد به نحوی که شرط منطبق با تعریف سبب در اصطلاح منطقی آن است. به عبارت دیگر وجود شرط در تحقق خسارت لازم است اما علت تامه آن نیست و ملازمه با وقوع خسارت ندارد. برخلاف سبب که عرف، آن را دلیل بر وقوع حادثه می داند و وجود آن ملازمه با خسارت دارد. (عابدی، ۱۳۹۲، ۴۳) در علم اصول مجمل چیزی است که به خودی خود، دارای دلالت روشن و آشکار نباشد و عرف معنی روشنی را از آن افاده نکند و مردد بین چند احتمال باشد. (غمامی، ۱۳۸۳، ۸۵) مراد از سبب اجمالی نیز آن است که علت و سبب حادثه زینبار بین چند

علت محصور و مشخص قرار دارد ولی زیان دیده نمی‌تواند آن را به‌طور دقیق و قاطع تعیین کند. به عبارت دیگر سبب حادثه مردد بین چند احتمال محصور در گروه معینی باشد. به عنوان مثال شخصی از چند داروی تولید شده توسط شرکت‌های مختلف مصرف کرده و یکی از آنها منجر به زیان شده است اما تعیین عامل زیان به‌طور دقیق مقدور نیست و سبب حادثه مجمل است. (شامبیاتی، ۱۳۸۹، ۷۳) سبب، در معنای فلسفی و اصولی آن چیزی است که از وجود آن، وجود مسبب و از عدم آن، عدم مسبب لازم آید. اما در معنای فقهی و حقوقی آن بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی سبب را فاعل ملزوم علت دانسته‌اند، مانند حفر کننده چاه، به این معنی که حفر چاه در معبر عام اغلب موجب سقوط انسان یا حیوان در آن می‌شود. پس سقوط در چاه، لازمه حفر آن است و حفر آن، ملزوم سقوط انسان یا حیوان در آن است و حفر کننده فاعل ملزوم سقوط می‌باشد.

## ۱-۲- اجمال و اقسام آن

هرگاه به چیزی قطع و یقین آمیخته به اجمال حاصل شود، آن را علم اجمالی می‌نامند. به عنوان مثال شخصی به وجود خمر در یکی از دو ظرف موجود علم دارد اما نمی‌داند به‌طور معین در کدام یک از آن‌ها خمر است. امام خمینی (ره) معتقد است که علم اجمالی علمی است که شک به آن ضمیمه شده؛ و در مقابل آن علم تفصیلی است که در متعلق علم هیچ گونه شبهه‌ای وجود ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۳۰) در یک تقسیم‌بندی اجمال را می‌توان از نظر میزان تقصیر و از نظر انتساب فعل مورد بررسی قرار داد. گاهی خسارت ناشی از فعل چند سبب است اما میزان تقصیر آنها مجمل و نامعلوم است. در این فرض ممکن است اجمال ناشی از اجتماع چند سبب باشد یا اجتماع چند سبب و مباشر و یا چند مباشر. اجتماع اسباب را می‌توان در سه حالت خلاصه کرد: ۱- اجتماع اسباب به‌نحو عرضی ۲- اجتماع اسباب به‌نحو طولی ۳- اجتماع عامل انسانی و عوامل طبیعی. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ۱۶۷) هرگاه چند سبب در زمان واحد با هم موجب خسارتی شوند، و اثر آنها فاقد تقدم و تأخر زمانی باشد، اجتماع آنها به‌نحو عرضی است. به‌طور مثال یک نفر قهوه مقتول را آلوده به سم کرده و دیگری چای او را و شخص در اثر تأثیر هر دو سم فوت کند. یا چند نفر با یکدیگر اتومبیل را واژگون کنند و سبب خسارت شوند. (نقیبی، ۱۳۸۶، ۴۹) در حالت اجتماع اسباب به‌نحو عرضی تشخیص اسباب مسئول امر مشکلی نیست، زیرا حادثه قابل انتساب به همه آنان است و رابطه سببیت میان فعل و نتیجه برقرار است. به همین دلیل حقوقدانان اجتماع اسباب به‌نحو عرضی را اشتراک در جنایت می‌دانند، و همه کسانی را که در وقوع جنایت نقش داشته‌اند ضامن می‌دانند، و تنها بحث در میزان مسئولیت آنها است. (وحدتی شبیری، ۱۳۸۸، ۳۶)



## ۲- اسباب و اجتماع آنها

در تعدد اسباب، هرگاه دخالت عوامل متعدد در وقوع نتیجه با تقدم و تأخر زمانی همراه باشد، به نحوی که یکی علت وجود دیگری است، تعدد به نحو طولی است. به طور مثال بر اثر کثرت مسافر در مقابل در ورودی اتوبوس، درب به دلیل نقص فنی و فشار بیش از حد باز می‌شود، مسافری به بیرون پرتاب می‌شود و اتومبیل دیگری با سرعت غیر مجاز با او برخورد می‌کند، او را به بیمارستان منتقل و در بیمارستان به علت عدم رعایت موازین درمانی توسط پزشک، مسموم می‌شود، به اتاق عمل منتقل و در آنجا به علت نقص فنی برق بیمارستان، مصدوم فوت می‌کند. (قاسمی و کارمرزی، ۱۳۹۲، ۴۱۳) همچنین در تعدد اسباب، هرگاه چند سبب در زمان واحد با هم موجب خسارتی شوند و اثر آنها فاقد تقدم و تأخر زمانی باشد، تعدد آنها به نحو عرضی است. به طور مثال یک نفر قهوه مقتول را آلوده به سم کرده و دیگری چای او را، و شخص در اثر تأثیر هر دو سم فوت کند یا چند نفر با یکدیگر اتومبیل را واژگون کنند و سبب خسارت شود. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ۵۳)

در خصوص اجتماع طولی باید گفت که تحقق اجتماع طولی عوامل منوط به ترتیب زمانی تأثیر هریک از آنها در وقوع نتیجه واحد است، چه آن که در حدوث، تقدم و تأخر داشته یا هم زمان واقع شده باشند. بنابراین، در این فرض تأثیر هر فعل، نسبت به دیگری تقدم یا تأخر دارد به طوری که در زمان وقوع زیان، تنها اثر یک عامل، حضور دارد. (عیسائی تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۲۴)

اجتماع طولی عوامل مؤثر در زیان واحد، منحصر به دو صورت است. اجتماع سبب و مباشر. بنابراین صورت سوم، که در اجتماع عرضی عوامل، بر نحو اجتماع مباشرین ممکن است، در اجتماع طولی، غیرقابل تصور است زیرا مباشرت، ایجاد نزدیک ترین علت به نتیجه است، و علت، عاملی است که، از وجودش، وجود معلول، و از عدمش، عدم معلول لازم می‌آید. به عبارت دیگر با واقع شدن علت، نتیجه، در پی آن محقق می‌گردد، از این رو امکان منطقی جمع دو مباشر، با ترتیب زمانی تأثیر هر یک از آنها، در حدوث معلول واحد، منتفی است. چرا که با تأثیر علت مقدم، نتیجه، حاصل آمده و مجالی برای تأثیر علت مؤخر، باقی نمی‌ماند. با وجود این، برخی، حدوث مباشرت بر مباشرت را از موارد اجتماع مباشرین در طول یکدیگر تلقی کرده اند، مانند وقتی که الف، ب را زخمی کند و ج او را به قتل برساند. (قیاسی، ۱۳۹۰، ۳۴) این برداشت که با مفهوم مباشرت بیگانه است غیرقابل توجیه به نظر می‌رسد. زیرا علاوه بر آن که امکان اجتماع طولی مباشرین به دلالت عقل، مردود است، مثال مذکور نیز اصولاً خارج از موضوع بوده و از موارد اجتماع چند عامل، قلمداد نمی‌گردد، زیرا وقوع نتیجه واحدی که از دخالت عوامل متعدد ناشی شده، شرط اساسی در تحقق فرض اجتماع عوامل است. پس اگر الف، ب را زخمی کند، سپس دیگری او را به قتل برساند در واقع دو

جنایت یعنی جرح و قتل، که مستقل از یکدیگرند حادث شده؛ زیرا دو فعل با دو نتیجه متمایز انجام شده است. لذا عامل هر فعل نسبت به نتیجه حاصل از آن مستقلاً ضامن خواهد بود. لکن اگر در مثال مذکور، منظور تأثیر هر دو فعل در حدوث مرگ باشد به نحوی که تأثیر فعل الف و ج هر دو در زمان وقوع مرگ حضور داشته است، مورد از مصادیق اشتراک در جنایت و اجتماع عرضی مباشرین است و نه اجتماع طولی آنها. (عباسلو، ۱۳۹۰، ۴۷)

اجتماع عرضی نیز این گونه است که چنانچه تأثیر هر عامل، به طور مستقل و هم زمان با تأثیر سایر افعال، به حدوث نتیجه واحد، منجر شود، مورد، از مصادیق اجتماع عرضی عوامل، خواهد بود. ملاک، در تحقق این فرض، هم زمانی تأثیر عوامل، در وقوع زیان است. هر چند، این عوامل در وجود، هم آیند بوده یا دارای تقدم و تأخر در حدوث باشند. بنابراین در اجتماع عرضی، تأثیر هیچ یک از عوامل، مقدم یا مؤخر بر دیگری نبوده و هم زمانی تأثیر آنها در وقوع نتیجه شرط اساسی است. (قاسم زاده، ۱۳۸۶، ۷۸) عواملی که در عرض یکدیگر اجتماع می کنند، ممکن است همه مباشر یا همه آنها سبب بوده، یا برخی سبب و بعضی دیگر مباشر باشند و در هر صورت، با وجود شرط عدم تقدم و تأخر در تأثیر و صرف نظر از نحوه و مراتب دخالت آنان، نتیجه، به همه عوامل دخالت کننده مستند شده، مورد، از مصادیق شرکت در صدمه یا خسارت قلمداد می گردد. بدیهی است در فروض پیچیده و مرده، تشخیص تأثیر هر یک از عوامل مذکور در حدوث زیان و نیز احراز هم زمانی اثر همه آنها مانند آنچه در وقوع ضرر ناشی از فعل واحد ذکر شد، موکول به ارزیابی های کارشناسانه است. (عبادی، ۱۳۹۲، ۴۲) در برخی حوادث چند سبب با هم نتیجه زیانبار را به وجود می آورند به نحوی که زیان وارده قابل انتساب به مجموع آنهاست و در این میان مباشری وجود ندارد یا مباشر مسئول شناخته نمی شود. فقها و حقوقدانان این حالت را تداخل اسباب یا اجتماع اسباب نامیده اند و آن را به دو قسم سبب طولی و سبب عرضی تقسیم نموده اند. (شجاع پوریان، ۱۳۸۹، ۳۹)

هر گاه دخالت اسباب متعدد در وقوع نتیجه با تقدم و تأخر زمانی همراه باشد و اثر آنها بر اساس تعاقب و تسلسل باشد به گونه ای که تأثیر هر یک از آنها متوقف بر تأثیر دیگری باشد آن را سبب طولی می نامند. به عنوان مثال راننده ای در اثر بی مبالاتی موجب انحراف اتومبیل مقابل و در نتیجه تصادم آن با عابری می شود و او را مجروح می سازد او را به بیمارستان منتقل می کنند و در بیمارستان به دلیل عدم رعایت موازین درمانی توسط پزشک مسموم می شود، به اتاق عمل منتقل و در آنجا به علت نقص فنی برق بیمارستان مصدوم فوت می کند. (سکوتی و شمالی، ۱۳۹۰، ۴۳)

در سبب عرضی چند سبب همزمان باعث وقوع جنایت می شوند، به طوری که بین افعال آنها هیچ گونه تقدم و تأخر زمانی وجود ندارد و جنایت حاصل شده ناشی از فعل همه آنهاست و میان رفتار هر یک از آنها و جنایت رابطه سببیت وجود دارد. مانند این که اولی غذای مجنی علیه را آلوده به سم می کند و دومی قهوه او را، و مقتول در نتیجه تأثیر هر دو سم فوت می کند. (لطفی، ۱۳۹۰، ۸۵) بحث اسباب در عرض یکدیگر معادل با بحث شرکت است. شرکت در جرم لزوماً به معنای مباشرت شرکا نیست بلکه در جایی که هر یک از اسباب یک ضربه چاقو به مقتول زده باشند و او را کشته باشند می تواند بحث شرکت بالتسبیب مطرح شود. بدین معنا که چند سبب در عرض یکدیگر قرار می گیرند و در ارتکاب جرم به نحو تسبیب مشارکت می نمایند. ماده ۵۲۷ قانون مجازات جدید به بحث شرکت در جرم به صورت تسبیب اشاره نموده است. (قاسمی و کارمرزی، ۱۳۹۲، ۳۶) قانونگذار در ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی سابق میان سبب طولی و عرضی تفاوتی قائل نشده بود و حکم بیان شده در ماده را به طور مطلق بیان نموده بود. اما قانونگذار جدید در ماده ۵۳۵ قانون جدید با قید عبارت به صورت طولی حکم این ماده را فقط به اسباب طولی اختصاص داده است.

### ۳- صور اجتماع در ورود خسارت

#### ۳-۱- اجتماع سبب و مباشر

در کتاب های فقهی نیز در خصوص اجتماع سبب و مباشر بحث شده است، اما جز موارد اندکی اختلاف زیادی دیده نمی شود و تمام فقها و علما در این اجتماع، مباشر را مسئول می دانند. مثلاً در جواهر الکلام در این مورد بیان شده که مباشر مقدم بر سبب است؛ و یا در کتاب کشف اللثام و نیز مجمع الفائده و البرهان محقق اردبیلی آمده است که به دلیل عقلی و نقلی باید عمل را به سبب نزدیک نسبت داد. به این علت که مباشر با اراده خود رابطه علیت بین زیان وارد شده و سبب را قطع کرده است. قاعده کلی فقها در اجتماع سبب و مباشر ضمان مباشر است. تعداد اندکی از فقها از جمله مؤلف ریاض المسائل قاعده مطرح شده را قبول نداشته و معتقد است که اقوی بودن مباشر مانع ضامن دانستن سبب نخواهد بود. زیرا طبق قاعده لاضرر هر کسی که خسارتی به دیگری وارد کند مسئول شناخته می شود. (وحدتی شبیری، ۱۳۸۸، ۱۳۸)

الف- فرض اقوی بودن مباشر نسبت به سبب

هرگاه سبب و مباشر در ورود خسارت به دیگری و یا ارتکاب جنایت مشارکت داشته باشند بدین معنا که یکی سبب تلف و دیگری مباشر آن بوده باشد، به علت اقوی بودن مباشر نسبت به سبب، مباشر ضامن است. به عنوان مثال هرگاه شخصی در معبر عام چاهی حفر نماید و دیگری طفلی را در داخل چاه بیندازد کسی که موجب سقوط کودک در چاه بوده مسئول و ضامن می باشد. و یا مثال دیگر این که؛ دکتر (الف) به اتهام شرکت در قتل غیرعمدی دوشیزه (ب) بر اثر بی احتیاطی و انجام عمل جراحی در مطب و خارج از محیط بیمارستان تحت تعقیب دادسرای عمومی قرار گرفت، و دادسرای مزبور به موجب کیفرخواست و به استناد ماده ۲۵ قانون دیات درخواست تعیین کیفر نموده است. (یزدانیان و نیازی، ۱۳۹۳، ۹۶) شریک دیگر در قتل غیرعمدی آقای (ج) دکتر بیهوشی بوده که به لحاظ گذشت اولیای دم و به علت قابل گذشت بودن موضوع درباره وی قرار موقوفی تعقیب صادر گردیده است. دادگاه کیفری به اتهام دکتر (الف) رسیدگی نموده و حکم برائت متهم را به شرح زیر صادر نموده است:

در خصوص اتهام آقای (الف) دایر بر قتل غیرعمدی مرحوم (ب) به لحاظ بی احتیاطی و عدم رعایت نظامات دولتی در عمل چشم مشارالیهها در مطب، نظر به این که حسب اظهار نظر پزشکی قانونی مستند به گزارش معاینه جسد، قتل در اثر پدیده شوک بوده که می تواند از عوارض بیهوشی باشد و اقدام به این امر نیز توسط آقای (ج) صورت گرفته لذا در اجتماع سبب و مباشر در حادثه فوق مباشر قوی تر از سبب بوده و مسئولیت جرم را عهده دار است، زیرا شخص (ج) که متخصص رشته بیهوشی بوده است با اراده خود ولو به دستور دیگری مرتکب این عمل شده و ضامن می باشد. بنابراین دخالت (الف) در موضوع قتل غیرعمدی عنوان سبب را داشته که با توصیف به عمل آمده سبب مزبور قوی تر از مباشر نبوده و دادگاه بنا به مراتب یاد شده و نقد ادله اثباتی، رأی به برائت وی صادر و اعلام می دارد. پس از ابلاغ رأی، وکیل اولیای دم به رأی صادره اعتراض نموده و پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی اوراق پرونده در رد اعتراض وکیل اولیای دم چنین رأی می دهد: با مراجعه به پرونده و امعان نظر در نحوه رسیدگی از حیث اصول و قواعد دادرسی ایراد و اشکالی به رأی صادره وارد نیست. لذا درخواست تجدیدنظر مردود اعلام می گردد. (کی نیا، ۱۳۸۴، ۵۶)

مثال دیگر؛ در حادثه ای خانم ویکتوریا کیانی راد در یک برنامه غارنوردی غار پراو که در سال ۸۱ به اجرا درآمده بود در هنگام فرود از چاه ۱۸ متری غار به علت نامعلومی سقوط و فوت می کند. خانواده ویکتوریا کیانی راد شکایت نامه ای را علیه باشگاه و سرپرست برنامه (کاظم فریدیان) تنظیم نمودند که پرونده در شعبه ۱۰۴ دادگاه جزایی کرمانشاه مطرح شد و دادگاه پس از

رسیدگی به آن، حکم به بی گناهی و براءت آقای کاظم فریدیان صادر کرد. رأی فوق دو بار مورد تقاضای تجدیدنظر قرار گرفت که نهایتاً شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر کرمانشاه رأی ذیل را صادر نمود: با فرض این که سرپرست تیم غارنوردی مرتکب تخلف گردیده باشد چون مرحومه ویکتوریا کیانی راد قبلاً در تیم، آموزش دیده و با در نظر گرفتن وضعیت غار پراو که از لحاظ فنی در وضعیت بالایی بوده و شخصاً باید از لحاظ روحی و جسمی و وضعیت حاکم بر قضیه خود را ارزیابی می نمود و متعاقب آن اقدام به ورود به محوطه غار می نمود، لذا به نظر هیأت دادگاه مرحومه متوفی هم در مرگ خود به عنوان مباشر دخیل بوده و با فرض اجتماع سبب و مباشر قطعاً مباشر ضامن است. مگر این که سبب اقوی از مباشر باشد و به نظر هیأت دادگاه با عنایت به نظریه هیأت کارشناسان در فرض مانحن فیه سبب اقوی از مباشر نمی باشد، لذا دادگاه با عنایت به استدلالاتی که مذکور افتاد ایرادی بر دادنامه صادره از شعبه ۱۰۴ دادگاه جزایی کرمانشاه که مبین بی گناهی آقای کاظم فریدیان می باشد مترتب ندانسته و با اعلام رد تجدیدنظرخواهی، تجدیدنظر خواه مستنداً به ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی و بند الف ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری دادنامه تجدیدنظر خواسته را عیناً تأیید و استوار می نماید. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ۸۹)

ب- فرض اقوی بودن سبب نسبت به مباشر

هرگاه عرف مداخله سبب در خسارت وارده را قوی تر دانست می بایست سبب را ضامن حادثه معرفی نمود و در این صورت استثنایی بر قاعده کلی ضامن مباشر وارد می شود؛ و عرفاً فعل به وی استناد داده می شود. (شجاع پوریان، ۱۳۸۹، ۷۳) مثلاً اگر شهرداری به کارگران خود دستور خراب کردن ساختمانی را بدهد تلف و خسارت به عهده شهرداری است نه کارگران. در مواردی که مباشر در حالت اکراه یا اجبار، عملی را انجام داده و یا و یا جاهل بوده است دیگر ضامن نخواهد بود. مثلاً تعدادی کارگر اجیر شده اند تا به دستور دیگری خانه ای را که وانمود کرده منزل اوست را تخریب نمایند و یا کسی را به خانه دعوت کرده و به وی غذای غصبی دهد و یا غذای مسموم را به کسی که جاهل است می دهد. در این صورت عرف سبب را مسئول می داند نه مباشر را. (سجادی نژاد، ۱۳۸۸، ۱۳) قانونگذار در ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۳۶۳ قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ در صورت اقوی بودن سبب، مباشر را مسئول نمی دانست. در این صورت مباشر اتلاف در حکم وسیله بوده و زیان دیده برای جبران خسارت باید به سبب اقوی مراجعه نماید. در قانون مجازات جدید نیز عاملی که در نتیجه عمل وی و تحت تأثیر آن خسارت محقق شده را ضامن می داند خواه مباشر باشد خواه سبب. بنابراین هرگاه تأثیر عمل سبب به گونه ای اقوی باشد که عرف وی را مسئول حادثه معرفی نماید مباشر از مسئولیت معاف می گردد. قانونگذار موارد معافیت مباشر را نیز ذکر کرده و

بیان می دارد که هرگاه مباشر بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن باشد فقط سبب ضامن خواهد بود. (زراعت، ۱۳۹۲، ۳۹)

### ۳-۲- اجتماع اسباب

اساسی ترین رکن تحقق مسئولیت مدنی وجود رابطه سببیت است. به عبارت دیگر زمانی می توان فرد را مسئول جبران خسارت دانست که بین عمل او و خسارت وارده رابطه سببیت عرفی محرز و مسلم باشد. اثبات رابطه ی سببیت در جایی که تلف ناشی از یک سبب واحد باشد دشوار نیست. اما در مواردی که اسباب متعددی در تحقق نتیجه واحد دخالت دارند اثبات این رابطه و تعیین عامل اصلی کار بسیار پیچیده و دشواری است. در بحث اجتماع اسباب دو فرض مطرح می باشد، اسباب ممکن است در یک حادثه در طول یا در عرض یکدیگر قرار بگیرند که در هر یک از این دو فرض برای تشخیص سبب ضامن نظریه های گوناگونی از سوی حقوقدانان و فقها مطرح شده است که در ادامه به اختصار به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

### ۳-۲-۱- اجتماع عرضی اسباب

در خصوص نحوه تقسیم مسئولیت میان اسباب مشترک نظریه های متعددی مطرح شده است که مهم ترین آنها چهار نظریه است.

#### ۱- نظریه تقسیم مسئولیت به نحو تساوی

با بررسی منابع فقهی می توان دریافت مشهور فقها در مواردی که اسباب متعدد مجتمعاً جنایتی را محقق می سازند همه اسباب را به نحو تساوی ضامن می دانند ولو این که نیروی آنها متفاوت باشد. مانند موردی که چند نفر با مشارکت یکدیگر و به طور همزمان چاهی را حفر می کنند و شخصی در اثر سقوط در آن به هلاکت می رسد. صاحب جواهر در این باره بیان می دارد که اگر فرض شود که هر یک از دو سبب متلف ولو مستقل از یکدیگر در تحقق تلف در خارج اشتراک داشته اند در ضمان نیز مشترک خواهند بود. (باریکلو، ۱۳۹۲، ۴۸) همچنین امام خمینی در تحریر الوسیله در این خصوص گفته اند که اگر دو نفر یا بیشتر مثلاً در قرار دادن سنگی اشتراک داشته باشند ضمان بر عهده همه آنهاست. و ظاهر در این است که ضمان بین آنها به تساوی است هرچند قوای آنها متفاوت باشد. ایشان همچنین در کتاب غصب بر این نظر تأکید داشته اند. قانونگذار ایران در ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ صراحتاً تکلیف قضیه را روشن کرده بود و به پیروی از فقهای امامیه حکم به تساوی مسئولیت اسباب داده بود. ماده ۳۳۶ این قانون نیز بیان کننده همین

نظر بود. (پاد، ۱۳۸۱، ۲۳) در ماده ۵۳۳ قانون مجازات جدید آمده است که هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد به طور مساوی ضامن می باشند. بر حسب ظاهر ماده قانونگذار به مانند قانون سابق مسئولیت را به نحو تساوی در نظر گرفته است و می گوید اگر چند نفر با شرکت یکدیگر سبب ورود خسارتی بشوند مانند آن که با کمک یکدیگر سنگی را از کوه به جاده پرتاب نمایند و سنگ در برخورد با اتومبیل موجب آسیب رساندن به راننده و سرنشینان آن بشود به طور مساوی مسئول جبران خسارت شمرده می شوند. زیرا فرض بر این است که تمام عوامل در وقوع حادثه و ایجاد خسارت به طور مساوی نقش داشته اند. بنابراین نباید میان سهم آنها از مسئولیت تمایز قائل شد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ۸۹) به همین ترتیب در موردی که چند نفر با انجام اعمال جداگانه سبب واحدی را فراهم می آورند تمام عوامل ضامن هستند. مانند جایی که هر یک با دستکاری در چراغ راهنمایی مستقر در چهار راه باعث می شوند هر راننده ای حرکت خود را مجاز بدانند و در نتیجه سبب برخورد چند اتومبیل و وقوع خسارت شوند؛ که قانونگذار همه مسببین را مسئول شناخته است. با دقت در مواد یاد شده می توان نتیجه گرفت که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی و رویه قضایی در بحث اجتماع اسباب به نحوی عرضی به نظریه تساوی تمایل دارد و آن را به عنوان یک اصل و قاعده عمومی پذیرفته است. رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۰۶ دیوان عالی کشور هم مؤید همین مطلب است. نکته دیگری که لازم است اشاره گردد آن است که قانونگذار در قانون جدید با الهام از فقها در ماده ۵۲۷ نظریه تساوی اسباب مشترک را در مواردی قابل اعمال می داند که تأثیر اسباب بر جنایت وارده مساوی باشد. این در حالی است که در ماده ۳۶۵ قانون مجازات سابق چنین شرطی مقرر نشده بود و اسباب عرضی در هر صورت به طور مساوی مسئول شناخته می شدند هرچند میزان تأثیر آنها متفاوت بود. و از طرف دیگر در مواردی این نظریه کاربرد دارد که میزان تأثیر طرفین قابل تشخیص نباشد. (خدابخشی، ۱۳۹۱، ۴۳۶)

مزیتی که می توان بر نظریه تساوی بیان نمود آن است که در این روش تقسیم مسئولیت به راحتی و با سهولت انجام می شود. اما ایراد آن این است که در این ضابطه تمام عوامل دخیل در حادثه به طور یکسان مورد توجه قرار گرفته اند در حالی که ممکن است در یک حادثه که توسط دو نفر رخ داده است یکی مرتکب تقصیر سنگینی شده باشد و دیگری تقصیری را مرتکب شده باشد که از نظر عرف قابل اغماض است. بنابراین یکسان دیدن هر دو عامل به هیچ وجه قابل توجیه نمی باشد. البته در مواردی که نسبت و میزان دخالت هر یک از مسببین در تحقق خسارت مشخص نباشد چاره ای جز متوسل شدن به معیار تقسیم مسئولیت به طور مساوی نیست هرچند که در این مورد

نیز اعمال نمودن این روش اشکالاتی را در پی خواهد داشت. زیرا در این فرض سببی که در تحقق زیان تأثیر کمتری داشته است ناگزیر است که بخشی از مسئولیت دیگر اسباب را بر دوش بکشد که این کاملاً مخالف با اصل شخصی بودن مسئولیت است. و از طرفی شخصی که در بروز حادثه نسبت به سایرین تأثیر بیشتری داشته است به ناحق و بدون هیچ دلیل قانع کننده از جبران قسمتی از مسئولیت ناشی از عمل خود معاف می گردد که این مغایر با انصاف و عدالت است. زیرا بر طبق اصول و قواعد حقوقی باید هر شخص و عاملی را به میزان تأثیری که در ایجاد تلف داشته است به جبران خسارت محکوم نمود. (رشادتی، ۱۳۹۰، ۷۳)

## ۲- نظریه تقسیم مسئولیت به نحو تضامن

منظور از مسئولیت تضامنی آن است که هرگاه چند نفر با همکاری یکدیگر منشاء ورود خسارت به شخص دیگری شوند به نحوی که بتوان ضرر را به هر کدام از آنها نسبت داد همه آنها در برابر زیان دیده مسئولیت تضامنی دارند و از نظر عرف نمی توان مسئولیت آنها را تجزیه کرد. به همین خاطر زیان دیده این امکان را دارد که به هر یک از مسئولان برای دریافت تمام یا قسمتی از خسارت وارده مراجعه نماید و با پرداخت تمام خسارت از سوی هر کدام از مسئولان، دیگر اسباب بری می شوند. هرچند که بعد از پرداخت تمام خسارت از سوی یکی از عاملین پرداخت کننده می تواند برای دریافت مازاد بر سهم خود به دیگر مسئولان رجوع نماید و یا در صورت لزوم در دادگاه علیه آنان طرح دعوی نماید. (زراعت، ۱۳۹۲، ۲۳۸) مثالی که می توان در تقسیم مسئولیت به نحو تضامن بیان نمود حکمی است که در این باره در دادگاه حقوقی مطرح شده است که در آن دعوایی از سوی آقای ج به وکالت از سوی ۱. آقای س ۲. خانم غ ۳. خانم ک ۴. خانم ص به طرفیت آقایان اسماعیل و جهانگیر و اکبر و جمشید همگی با نام خانوادگی م مطرح می گردد. با این توضیح که خواهان ها برابر اسناد مالکیت، مالکین و متصدیان آزمایشگاه ابن سینا واقع در طبقه تحتانی مجتمع پزشکی ابن سینا می باشند. خواندگان که مالک قطعه زمینی واقع در ضلع شمالی مجتمع پزشکی مزبور هستند به منظور احداث ساختمان در جوار ملک خواهان ها بدون رعایت اصول فنی مبادرت به خاکبرداری نموده و در نتیجه ایجاد گودال عمیق و غیراصولی پایه های بتونی و قسمتی از خاکهای اطراف پی های ساختمان که ملک موکلین بر روی آن قرار دارد فرو ریخته و علاوه بر خسارتی که به علت وضع مخاطره آمیز بنا و احتمال فرو ریختن ساختمان به آنان وارد شده است زیان هایی نیز از بابت تعطیل شدن آزمایشگاه به آنها وارد گردیده که مورد مطالبه قرار گرفته است. (سجادی نژاد، ۱۳۸۸، ۱۳۷)



## ۳- نظریه تقسیم مسئولیت به نسبت تأثیر

در این نظریه مسئولیت بنا بر نحوه مداخله و تأثیر رفتار هر یک از اسباب در ایجاد خسارت تقسیم می‌گردد. به عنوان مثال، بر اثر انفجار دیگ بخار نانوائی عده ای مجروح و زخمی می‌شوند. کارشناس میزان تأثیر هر یک از عاملین ورود ضرر را به صورت درصدی معین می‌کند و دادگاه نیز مطابق با نظر کارشناس، سازنده دیگ را به ۵۰٪ و نانوا را به ۳۵٪ و مالک نانوائی را به ۱۵٪ کل خسارت وارده محکوم می‌کند. اما در این دعوا سازنده دیگ مدعی می‌شود که تمام دیگ‌هایی را که می‌سازد و به خریداران تذکر می‌دهد که عمر آن دو سال است و این دیگ را حدود ۹ سال قبل ساخته بوده است. دیوان عالی کشور بنا بر این ادعا عمل سازنده دیگ را که نه سال قبل رخ داده است را از نظر عرف بی تأثیر در حادثه می‌داند و رأی صادره را نقض می‌کند. در این روش دادرسی با در نظر گرفتن فاکتورهای گوناگون از جمله شدت و ضعف تقصیر، دور یا نزدیک بودن عوامل حادثه و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه میزان تأثیر هر یک از عوامل را ارزیابی می‌نماید و در صورت لزوم در این امر از نظر کارشناس استفاده می‌کند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ۸)

ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی در بخش دوم همین روش را پذیرفته است و در تقسیم مسئولیت میان عاملین زیان صراحتاً حکم به مسئولیت آنان داده است. به گونه ای که با ایفای دین از سوی هر یک از اسباب پرداخت کننده می‌تواند مطابق با نظر دادگاه به سایر اسباب مراجعه نماید. بند ج ماده ۱۶۵ قانون دریایی به کسانی که مجتمعاً خسارتی را به دیگری وارد کرده اند اجازه داده است که مازاد آنچه پرداخت نموده اند را از سایر مسئولان مطالبه نمایند. همچنین قانون مدنی در مواد ۳۱۸ و ۳۲۰ در مبحث غصب توزیع خسارت را بین غاصبان متعدد پذیرفته است. مطابق با قسمت اخیر ماده ۵۲۶ قانون مجازات جدید در مواردی که مباشرین و اسباب متعددی در جنایت تأثیر دارند مسئولیت بین عاملین به نسبت تأثیر هر یک از آنان تقسیم می‌شود. چنین حکمی در قانون مجازات سابق پیش بینی نشده بود و قانونگذار در صورت اجتماع اسباب و مباشرین اصل را بر مسئولیت مباشر می‌گذاشت و به تأثیر رفتار آنان توجه نمی‌کرد. در ماده بعد همین قانون آمده است که هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود. و اگر تنها یکی از آنها کشته شوند یا آسیب ببینند حسب مورد عاقله یا خود مرتکب نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیای دم او بپردازد. ماده فوق برگرفته از ماده ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون مجازات سابق است. (عباسلو، ۱۳۹۰، ۱۶۴)

شباهت موجود در این مواد این است که در صورت تصادم دو نفر با هم، برخورد کننده یا عاقله او ضامن محسوب می گردد. اما تفاوت این مواد در این است که در قانون سابق قانونگذار حکم به تساوی مسئولیت طرفین به طور مطلق داده است هر چند تأثیر آنها متفاوت باشد. در حالی که در قانون جدید قانونگذار از قید میزان تأثیر آنها در برخورد مساوی، استفاده کرده است که بیانگر آن است که شرط تساوی در مسئولیت، تساوی در تأثیر است و میزان تأثیر توسط قانونگذار مدنظر قرار گرفته است. البته باید گفت به نظر می رسد قید بیان شده در ماده خصوصیتی ندارد و می توان از آن وحدت ملاک گرفت و در مواردی نیز که میزان تأثیر عوامل دخیل در حادثه متفاوت است میزان مسئولیت را بر حسب تأثیر تقسیم نمود. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰، ۴۳)

### ۳-۲-۲- اجتماع طولی اسباب

در صورتی که در یک حادثه عوامل متعدد به شکل طولی و با تقدم و تأخر زمانی دخالت داشته باشند باید بررسی نمود که از بین اسباب دخیل در حادثه کدامیک از دیدگاه عرف سبب ورود خسارت به شمار می روند. مثلاً راننده ای در اثر بی مبالاتی خود موجب انحراف اتومبیل مقابل و در نتیجه تصادم آن با عابری شده و او را مجروح می سازد. مجنی علیه بعد از انتقال به بیمارستان در اثر آتش سوزی اتفاقی به شدت صدمه دیده و می میرد. در این حادثه تشخیص این که کدام یک از عوامل مسئول جبران خسارت و وقوع حادثه است کار بسیار پیچیده و دشواری است که موجب بروز اختلاف در بین فقها و حقوقدانان و مطرح شدن نظرات متعدد از جانب آنها شده است.

مهم ترین نظریه در این مورد را می توان نظریه سبب مقدم در تأثیر دانست. نظریه ای که در فقه اسلام به صورت یک نظریه غالب مطرح گردید و سپس به عنوان یک معیار و مبنا به قانون مجازات اسلامی ایران راه یافت نظریه سبب مقدم در تأثیر است. مشهور فقها بر این باورند که هرگاه دو یا چند سبب در طول هم خسارتی را به وجود آورند به نحوی که دخالت و تأثیر هر یک از آنان در ورود ضرر به طور همزمان نباشد باید تنها سببی که تأثیر کار او مقدم بر اسباب دیگر است مسئول جبران خسارت شناخته شود. بنابراین چنانچه فردی چاهی را در محل رفت و آمد مردم حفر نماید و شخص دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری در اثر برخورد با سنگ به درون چاه سقوط نماید قرار دهنده سنگ سبب اصلی و ضامن است تا زمانی که فاعل دارای اراده و اختیاری میان سبب و ورود خسارت واسطه نشود، زیرا سنگ موجب لغزش عابر و افتادن او در چاه شده است و نسبت به سایر اسباب زودتر تأثیر گذاشته است. (شامبیاتی، ۱۳۸۹، ۸) فقها تصریح نموده اند که آنچه تا کنون بیان شد در مواردی است که هر دو سبب در ارتکاب فعل عدوان داشته باشند؛ اما در

جایی که عمل یکی از اسباب مجاز و عمل دیگری غیر مجاز باشد فقط متعدی ضامن است. برای نمونه هرگاه شخصی در ملک خود چاهی را حفر کند و دیگری بدون مجوز قانونی سنگی را در کنار آن قرار دهد قراردهنده سنگ ضامن است. و بالعکس در مواردی که شخصی در ملک متعلق به دیگری چاهی را حفر می کند و مالک در دهانه آن سنگی قرار می دهد حافر چاه ضامن است. (سکوتی و شمالی، ۱۳۹۰، ۳۶) در توجیه این نظریه برخی ادعا کرده اند در مواردی که دو سبب در تلف مؤثرند عرف تلف را به سببی مستند می داند که زودتر تأثیر می گذارد و سبب دوم به منزله شرطی است برای اثر گذاشتن سبب نخست. بنابراین در مثال چاه و سنگ، چاه شرطی است که اگر وجود نداشت برخورد با سنگ موجب مرگ نمی شد. بعضی نیز در مقام مقایسه برآمده اند و معتقدند که قرار دهنده سنگ به مانند مباشری است که دیگری را به درون چاه می افکند و در نتیجه سبب مقدم را در حکم مباشر می دانند. همان طوری که اگر کسی بدون مجوز قانونی چاهی را بکند و دیگری شخص ثالثی را در آن بیندازد فقط کسی که مجنی علیه را انداخته ضامن است. زیرا فرد دوم با انداختن شخص در درون چاه رابطه بین حافر و جنایت را قطع نموده است. (سجادی نژاد، ۱۳۸۸، ۲۸) گروه دیگری از فقها در توجیه نظریه سبب مقدم در تأثیر، به اصل استصحاب استناد نموده اند زیرا بر این عقیده اند که به محض این که مجنی علیه به سنگ برخورد می کند به یقین واضع سنگ ضامن است اما در ضامن بودن حافر چاه شک و تردید وجود دارد. به همین خاطر با تکیه بر این اصل به ضامن واضع سنگ حکم می کنند و آن را بر سبب دیگر ترجیح می دهند.

## نتیجه گیری

انعکاس نظریه تقسیم مسئولیت به نحو تساوی را به صورت آشکاری در متن قوانین شاهد هستیم. ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ صراحتاً و به پیروی از فقهای امامیه حکم به تساوی مسئولیت اسباب داده بود. ماده ۳۳۶ این قانون نیز بیان کننده همین نظر بود. ماده ۵۳۳ قانون مجازات جدید نیز مانند قانون سابق مسئولیت را به نحو تساوی در نظر گرفته است زیرا فرض بر این است، که تمام عوامل در وقوع حادثه و ایجاد خسارت به طور مساوی نقش داشته اند. بنابراین نباید میان سهم آنها از مسئولیت تمایز قائل شد. همچنین طبق نظریه تقسیم مسئولیت به نحو تضامن؛ هرگاه چند نفر با همکاری یکدیگر منشاء ورود خسارت به شخص دیگری شوند به نحوی که بتوان ضرر را به هر کدام از آنها نسبت داد همه ی آنها در برابر زیان دیده مسئولیت تضامنی دارند. تقسیم مسئولیت به نسبت درجه تقصیر نیز بیانگر این است که؛ میزان تقصیر هر کدام از اسباب مشخص شده و سپس بر اساس میزان و درجه تقصیر مسئولیت و جبران خسارت میان آنها تقسیم خواهد شد. نظریه تقسیم مسئولیت به نسبت تأثیر نیز حکایت از این دارد که، مطابق با قسمت اخیر ماده ۵۲۶ قانون مجازات جدید در مواردی که مباشرین و اسباب متعددی در جنایت تأثیر دارند مسئولیت بین عاملین به نسبت تأثیر هر یک از آنان تقسیم می شود. چنین حکمی در قانون مجازات سابق پیش بینی نشده بود و قانونگذار در صورت اجتماع اسباب و مباشرین اصل را بر مسئولیت مباشر می گذاشت و به تأثیر رفتار آنان توجه نمی کرد.

همچنین طبق نظریه سبب مقدم در تأثیر، هرگاه دو یا چند سبب در طول هم خسارتی را به وجود آورند به نحوی که دخالت و تأثیر هر یک از آنان بر ورود ضرر به طور همزمان نباشد باید تنها سببی که تأثیر کار او مقدم بر اسباب دیگر است مسئول جبران خسارت شناخته شود. قانونگذار ایران در ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به تبعیت از مشهور فقها نظریه سبب مقدم در تأثیر را پذیرفته بود. قانون جدید در ماده ۵۳۵ نظریه سبب مقدم بر تأثیر را مجدداً در اجتماع اسباب به نحو طولی پذیرفته است. نظریه برابری اسباب و شرایط نیز در قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۳۶ قانون سابق و ماده ۵۲۸ قانون فعلی منعکس شده است. بر اساس نظریه برابری اسباب و شرایط مسئولیت به نحو برابر در نظر گرفته شده است بدون این که میزان تقصیر در ورود زیان نقشی در تعیین میزان مسئولیت داشته باشد. قسمت اخیر ماده ۵۳۵ قانون جدید نیز این نظریه را پیش بینی کرده است. نظریه ضمان سبب ضروری نیز از جمله نظریات مطروحه است که طبق آن فقط عاملی که سبب ضروری نتیجه می باشد مسئول جبران خسارت است هر چند که تأثیر آن متوقف بر وجود عوامل و شرایط دیگر باشد. نظریه دیگر، نظریه سبب نزدیک و بی واسطه است.

قانون مدنی در مواد ۳۳۲ و ۱۲۱۵ نظریه سبب نزدیک را به عنوان یک قاعده پذیرفته است و نیز ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۵۲۶ قانون مجازات جدید، مباشر تحقق ضرر را مسئول حادثه معرفی می نماید و سایر حوادث را نادیده می گیرد. نظریه شرط پویای نتیجه نیز گاه مورد توجه است؛ در این نظریه می توان بین شرایطی که حالت پویا و متحرک دارند با شرایطی که در حالت ایستا و غیر متحرک هستند تفکیک قائل شد و تلف را منسوب به شرایط پویا و متحرک دانست. زیرا تنها شرایط پویا می توانند تغییراتی در عالم خارج به وجود آورند و منجر به نتیجه زیانبار گردند.

نظریه سبب متعارف و اصلی نیز نظریه ای دیگر است که در بین فقهای اسلامی و حقوقدانان مورد پذیرش واقع شده و حقوقدانان اسلامی همواره در برخی از امور بر طبق نظریه سبب متعارف نظر داده اند. زیرا بر اساس قواعد و اصول پذیرفته شده است. این نظریه به رابطه عرفی بین عمل مرتکب و حادثه به وجود آمده نظر داشته و فقط سبب را ضمان دانسته است نه شرط را. وجود نظریات گوناگون چه در بحث اجتماع اسباب در طول هم و چه اجتماع اسباب در عرض هم باعث شده است که احکام دادرسان و مقامات قضایی نیز تحت تأثیر اختلافات در این زمینه بوده و مانعی در جهت نیل به روش واحدی در تشخیص ضامن یا ضامنین شده است. در سیستم حقوقی ایران هیچ کدام از نظرات مطرح قاطع نیست و به طور کامل پذیرفته نشده است. اما معمولاً سبب متعارف و اصلی به دلیل تطبیق با عقل و انصاف مورد توجه بوده و کارآیی بیشتری دارد و نیز در رویه قضایی، قضات در اسباب متعدد در طول هم، موضوع را به کارشناس ارجاع داده و کارشناس را به عنوان نماینده جامعه در نظر می گیرند.

## منابع

- ۱- باریکلو، علیرضا، (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان.
- ۲- یاد، ابراهیم، (۱۳۸۱)، حقوق کیفری اختصاصی، جلد ۱، تهران، انتشارات رهام.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۹)، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر کتابخانه گنج دانش.
- ۴- خدابخشی، عبدالله، (۱۳۹۱)، توزیع خسارت در حقوق مسئولیت مدنی در فرض تعدد اسباب، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، شماره ۱.
- ۵- دالوند، فضل الله، (۱۳۸۶)، تقسیم مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دادیار.
- ۶- رشادتی، ماجد، (۱۳۹۰)، عدم النفع در نظام حقوق ایران، نشریه راه و کالت، شماره ۵۶.
- ۷- ره پیک، حسن، (۱۳۹۳)، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، تهران، انتشارات خرسندی.
- ۸- زراعت، عباس، (۱۳۹۲)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، نشر ققنوس.
- ۹- سجادی نژاد، سید احمد، (۱۳۸۸)، قواعد فقه جزایی، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۱۰- سکوتی، رضا، شمالی، نگار، (۱۳۹۰)، جایگاه عدم النفع در نظام حقوقی ایران، نشریه علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱.
- ۱۱- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۲- شجاع پوریان، سیاوش، (۱۳۸۹)، مسئولیت قراردادی پزشک در برابر بیمار، تهران، نشر فردوسی.
- ۱۳- شهید اول، (۱۳۹۷)، غایه المراد فی شرح الإرشاد، قم، نشر مکتب الإعلام الإسلامی.
- ۱۴- شهید ثانی، (۱۴۱۶ ق)، مسالک الأفهام، قم، نشر مؤسسه معارف اسلامی.

- ۱۵- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی، آثار قراردادهای و تعهدات، جلد ۳، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۶- صادقی، محمد هادی، (۱۳۹۲)، اجتماع اسباب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نشریه آموزه های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶.
- ۱۷- صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب الله، (۱۳۹۰)، الزامات خارج از قرارداد، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۸- عابدی، محمد، (۱۳۹۲)، معمای تعدد اسباب در قانون مجازات اسلامی، شیراز، چهارمین همایش سراسری طب و قضا.
- ۱۹- عباسلو، بختیار، (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی با نگرش تطبیقی، تهران، نشر میزان.
- ۲۰- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۹)، موجبات ضمان، تهران، نشر میزان.
- ۲۱- عیسائی تفرشی و همکاران، (۱۳۸۶)، تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خواننده بر مسئولیت مدنی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۵۴.
- ۲۲- غمامی، مجید، (۱۳۸۳)، قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۲۳- قاسم زاده، مرتضی، (۱۳۸۶)، الزامات و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران، نشر میزان.
- ۲۴- قاسمی، ناصر، کارمرزی، عبدالکریم، (۱۳۹۲)، مسئولیت آمر و مأمور در حقوق ایران، تهران، انتشارات خرسندی.
- ۲۵- قیاسی، جلال الدین، (۱۳۹۰)، تسبیب در قوانین کیفری، تهران، نشر مدین.
- ۲۶- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، نشر شرکت سهامی انتشار.
- ۲۷- کی نیا، مهدی، (۱۳۸۴)، کلیات مقدماتی حقوق، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۸- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۳)، محشای قانون مجازات اسلامی بر مبنای قانون مصوب ۱۳۹۲، تهران، انتشارات مجد.

- 
- ۲۹- لطفی، اسدالله، (۱۳۹۰)، قواعد فقه حقوقی و جزایی، تهران، انتشارات مجد.
- ۳۰- موسوی بجنوردی، سید محمد، (۱۳۸۷)، حقوق مدنی و کیفری، تهران، انتشارات مجد.
- ۳۱- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۰)، تحریر الوسیله، جلد ۲، تهران، نشر مکتبه العلمیه الإسلامیه.
- ۳۲- نبات زاده، نرگس، میلانی، علیرضا، (۱۳۹۷)، اجتماع عرضی اسباب در جنایت عمد بر نفس، دومین همایش بین المللی حقوق، علوم سیاسی و معارف اسلامی، تهران، مرکز همایش های بین المللی کوشا گستر.
- ۳۳- نقیبی، سید ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، مطالعه تطبیقی ملاک ارزیابی خسارت در فرض تعدد اسباب ایراد خسارت در حقوق اسلامی، فصلنامه علمی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۲.
- ۳۴- وحدتی شبیری، سید حسن، (۱۳۸۸)، مبنای مسئولیت مدنی یا ضمان ناشی از تخلف اجرای تعهد، مجله مطالعات اسلامی فقه و اصول، شماره ۸۲.
- ۳۵- ولیدی، محمد صالح، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران، انتشارات سمت.
- ۳۶- یزدانیان، علیرضا، نیازی، عباس، (۱۳۹۳)، مطالعه تطبیقی مسئولیت تضامنی در فقه و حقوق فرانسه، مجله علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، شماره ۸.



---

## Recognition of civil liability and longitudinal and transverse causes in Iranian law

Zahra Heydari Ramazan<sup>1</sup>

### Abstract

The purpose of this study, in addition to examining civil liability based on equality in the distribution of longitudinal responsibility (multiple causes, causal and directing community and directing causes) and transverse causes in the new Islamic Penal Code, is to answer these two questions. What are the longitudinal and transverse effects on the division of civil liability? And how the longitudinal causes affect the division of civil liability. The research method used is a descriptive-analytical method that deals with the developments of civil liability, longitudinal and transverse causes in Iranian law. The results of the study indicate that in Iranian law, the principle of division of responsibilities is equal, unless it is proven that the act or fault of one responsible person was more or less effective than the other. According to Article 140 of the new Islamic Penal Code and the last part of Article 52 of the Civil Liability Law, the manner of intervention of the cause is effective in the amount of responsibility; That is, the greater the intervention and impact of the cause in causing the damage, the greater the degree of responsibility.

**keywords:** Civil liability, longitudinal and transverse causes, multiple causes.

---

<sup>1</sup> Master of Private Law, Faculty of Humanities, Shahid Ashrafi University of Isfahan.  
(Corresponding Author)  
zhfdost@yahoo.com